

درباره اصلاح الگوی مصرف (۱۶)
اصلاح الگو در آموزش و پرورش
(از نگاه تولیدکننده و مصرف‌کننده)

کد موضوعی: ۲۱۰

شماره مسلسل: ۱۰۰۷۴

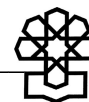
بهمن‌ماه ۱۳۸۸

دفتر: مطالعات اجتماعی

به نام خدا

فهرست مطالب

چکیده	۱
مقدمه	۲
۱. نگاهی به وضع موجود	۳
۲. مشکلات نظام آموزش و پرورش	۶
۳. راهکارهای پیشنهادی	۱۳
۴. ظرفیت‌های مجلس برای اصلاح الگوی مصرف در آموزش و پرورش	۱۸
جمع‌بندی	۲۴
منابع و مآخذ	۲۴



درباره اصلاح الگوی مصرف (۱۶) اصلاح الگو در آموزش و پرورش (از نگاه تولیدکننده و مصرف‌کننده)

چکیده

نهاد آموزش و پرورش مهمترین دستگاه تولیدکننده و مولد سرمایه اجتماعی و انسانی است و زیربنای تربیت نیروی انسانی شایسته برای وصول و حصول به تراز توسعه و رشد مورد نظر سند چشم‌انداز به حساب می‌آید. این دستگاه با وجودی که بیشترین نیروی انسانی را در بین دستگاه‌های دولتی داراست و سهم قابل توجهی از بودجه جاری کشور را به خود اختصاص می‌دهد. با این وصف تاکنون نتوانسته است انتظارات را بر آورده سازد.

در ۶ سال اخیر نزدیک به پنج میلیون نفر از دانش‌آموزان مردود شده‌اند که هزینه‌های مالی، آموزشی، روانی، اجتماعی و خانوادگی سنگینی به دنبال داشته است. براساس یک بررسی در پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، مجموع هزینه‌های برآورد شده ناشی از شکست تحصیلی از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۳ برای دولت و خانواده‌ها حداقل ۲۳۳۵ میلیارد تومان بوده است. در همین زمان کل کسری بودجه تأمین شده برای آموزش و پرورش ازسوی دولت نیز ۴۶۸۸ میلیارد تومان بوده که اگر نسبت این دو رقم محاسبه شود تقریباً ۵۰ درصد مبلغ کسری‌های تأمین شده توسط دانش‌آموزان مردودی، فقط در دوره آموزش عمومی تلف شده است که اگر دوره متوسطه نیز محاسبه شود قطعاً بیش از کسری تأمین شده، منابع محدود آموزش و پرورش تلف شده است.

بنا به اظهارات برخی کارشناسان در سال‌های پس از پیروزی انقلاب بیش از ۱۰۰ هزار کلاس در مناطقی ساخته شده‌اند که هم اکنون دانش‌آموز ندارد. درحالی که در بسیاری مناطق دیگر، نبود کلاس و مدرسه و ایجاد مدارس دو و حتی سه نوبته، مشکلات آموزشی و تربیتی فراوانی را باعث شده است، ضمن آنکه به دلیل عدم رعایت استانداردهای ساختمانی، استفاده از مصالح نامرغوب و فقدان مراقبت و نظارت، بسیاری از مدارس ساخته شده هم اکنون در فهرست مدارس تخریبی، مستهلک و نیازمند بازسازی قرار دارند.

ازسوی دیگر درحال حاضر مراکز تربیت معلم موجود با دارا بودن فضا و مدرس کافی فقط با کمتر از ۱۰ درصد ظرفیت خود کار می‌کنند و فضا و امکانات بسیار آنان اغلب بلااستفاده و در حال



مستهلك شدن است و این درحالی است که آموزش و پرورش از كمبود نیروی انسانی متخصص و پایین بودن مهارت معلمان خود گلایه دارد.

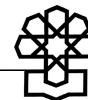
اصلاح الگوی مصرف یعنی تحقق عدالت اجتماعی و این از شعارهایی است که در بطن اعتقادات دینی، قانون اساسی و آرمان‌های سند چشم‌انداز وجود دارد. در حقیقت اصلاح الگوی مصرف به معنی نهادینه کردن روش صحیح استفاده از منابع کشور است و سبب ارتقای شاخص‌های زندگی و کاهش هزینه‌ها شده و زمینه‌ای برای گسترش عدالت و تحقق اهداف انقلاب و نظام به‌شمار می‌رود.

در سال اصلاح الگوی مصرف مجلس می‌تواند با نظارت بیشتر در اجرای قوانین به‌خصوص قانون مدیریت خدمات کشوری و همچنین با رویکرد تقنینی در اصلاح ساختار دوره‌های تحصیلی به کاهش هزینه‌های این بخش و افزایش بهره‌وری کمک شایانی داشته باشد.

البته نباید فراموش کرد، تحقق هدف اصلاح الگوی مصرف و نهادینه کردن روش درست استفاده از منابع به گونه‌ای که سبب رشد شاخص‌های زندگی، کاهش هزینه‌ها و توسعه عدالت و رفاه عمومی شود، بیش و قبل از هر چیز نیازمند «فرهنگ‌سازی پایدار» و استمرار نگرش و دیدگاه عمومی است. بدیهی است آموزش و فرهنگ‌سازی درباره روش صحیح استفاده از منابع و امکانات باید ابتدا از خانواده و سال‌های نخستین و سپس از مهد کودک‌ها و دبستان پایه‌ریزی و آغاز شود. در این راستا دستگاه‌های فرهنگی و آموزشی کشور، خصوصاً آموزش و پرورش و صداوسیما نقشی محوری و اثربخشی بیشتری دارند که نباید از آن نیز غافل شد.

مقدمه

سال‌هاست که از هدرروی وقت و فرصت مردم، اتلاف حامل‌های انرژی، اسراف در مواد غذایی و آب، کاهش بهره‌وری و... سخن به میان می‌آید، اما با وجود پاره‌ای از برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات به نظر می‌رسد، مقوله مهم اصلاح الگوی مصرف تاکنون جدی گرفته نشده است. با نامگذاری سال ۱۳۸۸ به عنوان سال اصلاح الگوی مصرف از سوی رهبر معظم انقلاب و تأکید ایشان در تمامی بخش‌ها برای اصلاح الگوی مصرف، عزمی برای اصلاح این معضل به‌وجود آمده است. بی‌شک نقش و جایگاه آموزش و پرورش به‌عنوان بزرگترین دستگاه دولتی با بیشترین تعداد نیروی انسانی در این راستا ویژه است و این بخش با توجه به آرمان‌ها و اهداف متعالی انقلاب نقشی بی‌نظیر برعهده دارد درحالی که شواهد عینی از هدر رفتن گسترده منابع و توفیق اندک نظام آموزش کشور در زمینه بهره‌وری حکایت دارد.



دستگاه اداری وزارت آموزش و پرورش به عنوان واحدی وابسته به دولت از بودجه عمومی کشور استفاده می کند و همه ساله حداقل ۱۲ درصد از بودجه جاری (در سال جاری بیش از ۱۰ هزار میلیارد تومان) و سهم قابل توجهی از اعتبارات عمرانی کشور برای این منظور هزینه می شود. در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۸ آموزش و پرورش کشور دارای ۱۴ میلیون دانش آموز، ۱۴۰ هزار آموزشگاه، ۶۲۰ هزار کلاس، ۹۳۹ هزار نیروی انسانی (شامل ۸۵۴ هزار کارمند رسمی و پیمانی، ۴۹ هزار نیروی حق التدریس و ۳۶ هزار نفر کادر خدماتی) است.

بنابراین نظارت بر کارآمدی و مصرف منابع در این مجموعه عظیم مالی و انسانی نیازمند بهینه سازی و اصلاح قوانین، ساختارها و مقررات است و لاجرم باید برای نظارت بر منابع مالی، امکانات و نیروی انسانی، استفاده از فناوری ها و روش های نوین باید در اولویت قرار گیرد.

به عنوان مثال در ۱۰ سال اخیر با وجود این که تعداد دانش آموزان از حدود ۱۹ میلیون به ۱۴ میلیون (حدود ۳۰ درصد) کاهش یافته، تعداد مدارس و آموزشگاه ها از حدود ۱۰۰ هزار به حدود ۱۵۰ هزار واحد (۵۰ درصد) افزایش پیدا کرده، درحالی که تعداد کارکنان تغییر قابل توجهی نداشته است، گرچه این امر ممکن است ظاهراً نشان دهنده گسترش خدمات آموزشی باشد، ولی در عین حال مبین فقدان الگوی مشخص و قانونمند در ایجاد مدارس، پرداخت هزینه های اضافه بابت ایجاد مدارس غیر ضرور و ابهام در برنامه ها و پرداخت ها است.

اصلاح الگوی مصرف در آموزش و پرورش را می توان به صورت های مختلف بیان کرد. می توان اصلاح الگوی مصرف را در رویکردهای اجرایی نظیر مصرف انرژی در کلاس های درسی، ابعاد ساختمان مدرسه، ساختار دوره های تحصیلی و... خلاصه کرد. ازسویی می توان این مفهوم را وسیع تر دید و به اصلاح ساختار اداره آموزش و پرورش، مدیریت منابع انسانی و حتی مضمون کتاب های درسی را نیز در این مقوله آورد. در این گزارش سعی شده به ابعاد مختلف این موضوع نگاه شود و شاید بتوان گفت به نوعی تحول در آموزش و پرورش مدنظر قرار گرفته است.

البته در پایان سعی شده است، تمرکز بر روی قوه مقننه باشد و راهکارهایی برای همکاری این قوه در اصلاح آموزش و پرورش توصیه شده است.

۱. نگاهی به وضع موجود

برای درک مناسبت شرایط و ویژگی های آموزش و پرورش مناسب است به برخی از مهمترین آمارها و شاخص های آن به اجمال اشاره شود.



نتایج آمارگیری تفصیلی عوامل آموزشی درآبان‌ماه سال ۱۳۸۷ نشان می‌دهد که در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۸، ۷۱۸ اداره آموزش و پرورش شهرستان/ ناحیه/ منطقه/ عشایری تحت پوشش ۳۱ سازمان، اجرای امورآموزش و پرورش کشور را عهده‌دار بوده‌اند.

جدول ۱. تغییرات عوامل اصلی آموزشی از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۸

سال تحصیلی	آموزشگاه	کلاس	دانش‌آموز	کارکنان	بودجه (میلیارد ریال)
۱۳۸۰-۱۳۷۹	۱۲۱,۵۴۶	۶۵۵,۹۲۶	۱۷,۷۷۴,۲۰۹	۱,۰۷۹,۹۸۲	۲۱۶۶۱
۱۳۸۱-۱۳۸۰	۱۲۵,۳۸۶	۶۶۷,۶۶۶	۱۷,۲۷۱,۶۰۱	۱,۰۷۶,۶۸۰	۳۰۰۷۴
۱۳۸۲-۱۳۸۱	۱۳۰,۱۶۰	۶۶۶,۴۰۳	۱۶,۵۹۱,۲۲۵	۱,۰۷۵,۶۷۵	۳۶۷۶۹
۱۳۸۳-۱۳۸۲	۱۳۲,۴۶۲	۶۶۶,۰۶۸	۱۶,۰۲۷,۹۵۶	۱,۱۴۵,۶۷۷	۴۶۷۷۳
۱۳۸۴-۱۳۸۳	۱۳۵,۴۸۵	۶۵۰,۵۱۲	۱۵,۲۶۴,۴۴۹	۱,۱۲۱,۸۲۳	۶۲۸۷۱
۱۳۸۵-۱۳۸۴	۱۳۸,۸۹۲	۶۵۱,۳۶۷	۱۴,۸۸۴,۷۸۶	۱,۰۴۲,۵۹۹	۷۶۱۴۶
۱۳۸۶-۱۳۸۵	۱۳۸,۹۶۱	۶۴۵,۱۹۲	۱۴,۴۵۰,۲۱۴	۱,۰۷۲,۶۹۷	۱۱۰۰۰۰
۱۳۸۷-۱۳۸۶	۱۳۴,۷۲۵	۶۲۳,۶۲۸	۱۳,۹۷۲,۳۳۰	۱,۰۳۹,۰۸۰	۹۲۰۰۰
۱۳۸۷-۱۳۸۸	۱۲۸,۶۶۱*	۵۹۷,۵۲۸	۱۳,۵۵۵,۷۶۵	۹۲۳,۵۴۷	۱۰۳۰۰۰
درصد تغییر در ۹ سال اخیر	+	-۸	-۲۴	-۱۴	۴۷۵/۵

* آمار مدارس ایرانی دایر در خارج از کشور، واحدهای آموزشی استثنایی، پیش‌دانشگاهی و آموزشگاه بزرگسالان در این رقم منظور نشده است.

دربسیاری از کشورها، از جمله کشور ما، متولی اصلی آموزش و پرورش رسمی، دولت است و عمده هزینه‌های آموزش و پرورش ازسوی دولت تأمین می‌شود. بر این مبنا، ارزش‌ها و اهداف نظام آموزش و پرورش نیز ازسوی دولت (نظام) تعیین می‌شود. از این منظر آموزش و پرورش درعین حال که مولد ارزشمندترین سرمایه‌های اجتماعی و زمینه‌ساز توسعه است، نهادی مصرف‌کننده تلقی می‌شود. به اعتقاد کارشناسان آموزشی و اقتصادی عدم به‌کارگیری شیوه‌های بهینه تأمین منابع مالی، بی‌اعتمادی به بخش غیردولتی و عدم امکان و یا اهتمام برای اجرای قوانین و مصوبات موجود از جمله بند «ج» ماده (۵۲) و ماده (۱۴۵) قانون برنامه چهارم و مواد (۱۳) و (۱۶) قانون مدیریت خدمات کشوری از جمله موانع ناکارآمدی مصرف منابع در آموزش و پرورش است.

از منظر مصرف منابع چنان‌که جدول فوق نشان می‌دهد، هر سال هزاران میلیارد تومان (در سال جاری ۱۰۳۰۰ میلیارد تومان) از بودجه کشور به آموزش و پرورش تعلق می‌گیرد که مطابق گزارش‌های موجود بیش از ۹۵ درصد آن برای هزینه‌های پرسنلی (حقوق و مزایای کارکنان) هزینه می‌شود و سهم هزینه‌های کیفیت بخشی از آن بسیار محدود و اندک (۵ درصد) است. بر مبنای



آمارهای رسمی، در ایران کمتر از ۴ درصد از تولید ناخالص ملی به هزینه‌های آموزش و پرورش اختصاص یافته است که این مقدار حدود ۱۲ درصد از کل هزینه‌های دولت را شامل می‌شود. گستردگی این هزینه‌ها وقتی روشن‌تر خواهد شد که این میزان با هزینه‌های آموزش و پرورش در دیگر کشورها مقایسه شود. میزان هزینه‌های آموزش و پرورش در برخی از مهمترین کشورها (به‌خصوص برخی کشورهای همسایه ایران) بر مبنای رتبه توسعه انسانی از کمترین تا بیشترین در جدول زیر مرتب شده‌اند.

جدول ۲. شاخص هزینه‌های آموزش و پرورش در برخی کشورها

نام کشور	رتبه توسعه انسانی	هزینه‌های عمومی آموزش و پرورش (درصد از تولید ناخالص ملی) ^(۱)	هزینه‌های عمومی آموزش و پرورش (درصد از کل هزینه‌های دولت) ^(۲)	هزینه‌های عمومی آموزش و پرورش (در مقاطع پیش دبستانی و ابتدایی) ^(۳)	هزینه‌های عمومی آموزش و پرورش (در مقطع راهنمایی) ^(۴)	هزینه‌های عمومی آموزش و پرورش (در مقطع متوسطه) ^(۵)
استرالیا	۳	۴/۷	۱۳/۳	۳۴	۴۱	۲۵
کانادا	۴	۵/۲	۱۲/۵	—	۶۸	۳۴
سوئد	۶	۷/۴	۱۲/۹	۳۴	۲۸	۲۸
سوئیس	۷	۶/۰	۱۳/۰	۳۳	۳۷	۲۸
ایالات متحده	۱۲	۵/۹	۱۵/۳	—	—	—
کره جنوبی	۲۶	۴/۶	۱۶/۵	۳۵	۴۳	۱۳
ژاپن	۸	۳/۶	۹/۸	۲۸	۴۰	۱۴
آرژانتین	۳۸	۳/۸	۱۳/۱	۴۵	۲۸	۱۷
امارات عربی	۳۹	۱/۳	۲۷/۴	—	—	—
کوبا	۵۱	۹/۸	۱۶/۶	۴۱	۲۸	۲۲
عربستان	۶۱	۶/۸	۲۷/۶	—	—	—
مالزی	۶۳	۶/۲	۲۵/۲	۳۰	۳۵	۳۵
روسیه	۶۷	۳/۶	۱۲/۹	—	—	—
برزیل	۷۰	۴/۴	۱۰/۹	۴۱	۴۰	۱۹

Source: UN Development Program: [http:// www.undp.org](http://www.undp.org)

1. Public expenditure on education (as % of GDP)

2. Public expenditure on education (as % of total government expenditure)

3. Public expenditure on education, pre-primary and primary (as % of all levels)

4. Public expenditure on education, secondary (% of all levels)

5. Public expenditure on education, tertiary (% of all levels)



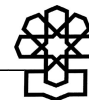
۲. مشکلات نظام آموزش و پرورش

سؤال اساسی که در بحث بهره‌وری مطرح می‌شود این است که آیا آموزش و پرورش کشور از بودجه، منابع، امکانات و فرصت‌های اختصاص یافته به درستی و با کیفیت مطلوب استفاده می‌کند؟ آیا عملکرد آن توانسته است پاسخگوی انتظارات نظام از آن باشد؟ آیا مدیریت صحیح و الگوی منطقی بر صرف هزینه‌ها در آموزش و پرورش اعمال می‌شود؟ و... واقعیت آن است که پاسخ به سؤال‌های مطرح شده از نظر کارشناسان و سیاستگذاران، علیرغم اذعان به برخی توفیقات به‌ویژه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، منفی است. هزینه‌های آموزش و پرورش کشور در مقایسه با خدماتی که به مخاطبان خود مانند دانش‌آموزان و معلمان ارائه می‌کند، غیرقابل توجیه است. درحال حاضر دولت بابت هر دانش‌آموز مدارس دولتی، مبلغی بیش از ۱۰ میلیون ریال در سال هزینه می‌کند، که در مقایسه با شهریه مدارس غیردولتی بسیار بالاتر است^۱، درحالی که معلمان، اولیا و دانش‌آموزان مدارس دولتی از کمبود خدمات و پایین بودن کیفیت آموزش و دستمزدها به شدت کله‌مند هستند.

مسئله دیگر، عدم موفقیت نظام آموزش و پرورش در جهت نهادینه کردن الگوی درست مصرف و پرورش جنبه‌های فرهنگی رفتاری دانش‌آموزان است، یکی از مهمترین اهداف آموزش و پرورش در کشور ما علاوه بر آموزش مهارت‌های پایه و عمومی، تعمیق معرفت دینی و تقویت نظام ارزشی اسلامی در آنان است. بنا به دیدگاه‌ها و فلسفه اسلامی اعتقاد و گرایش به خدای تعالی و مذهب امری فطری در انسان است. بنابراین زمینه لازم برای ایجاد خود انگیزش، تمایل و انگیزه برای هدایت افراد فراهم است. بررسی و شناخت و اعمال روش‌های تربیت و پرورش رفتارهای فردی و اجتماعی بر عهده نهادهای فرهنگی جامعه است که زیربنایی‌ترین آنها آموزش و پرورش است که عهده‌دار آموزش عمومی کشور می‌باشد. در وزارت آموزش و پرورش برای تقویت روحیه نگهداری از منابع و نهادینه شدن الگوی مصرف صحیح در دانش‌آموزان و صیانت از ارزش‌های اسلامی لازم است؛ حیطه‌های آموزشی گسترش و عمق بیشتری یابد، درتنظیم محتوا و برنامه درسی مقاطع گوناگون تحصیلی و نقش اساسی آموزش و تربیت در آموزش‌های اقتصادی دانش‌آموزان دقت و تأکید بیشتری به عمل آید و به جنبه‌های کاربردی در آموزش و تربیت کودکان و نوجوانان توجه بیشتری شود.

بی‌تردید یکی از مهمترین مؤلفه‌های تحول در نظام آموزشی مورد تأکید مقام معظم رهبری

۱. در سال ۱۳۸۵ سرانه دولت بابت هر دانش‌آموز بیش از ۵۴۰ هزار تومان و شهریه مدارس غیردولتی کمتر از ۳۴۰ هزار تومان بوده است.



تربیت دانش‌آموزان مطابق با ویژگی‌های فرهنگ اسلامی و ملی ایرانی است. پرسش اصلی و اساسی این است که چرا نظام آموزشی کشور در تحقق این نیاز به کندی عمل می‌کند و توفیقات او در برابر هزینه‌های انجام شده و نیازهای رو به تزاید جامعه اندک می‌نماید. بدیهی است آموزش و پرورش به عنوان بزرگ‌ترین دستگاه و خانواده وابسته به بودجه و مقررات دولت، در درون خود دارای برخی محدودیت‌ها و مشکلات اساسی است که اجرای برنامه‌های کیفیت بخش به خصوص در زمینه تربیت اقتصادی و صرف منطقی منابع در این مجموعه بزرگ را محدود می‌کند.

در این قسمت مهمترین آسیب‌ها و چالش‌های آموزش و پرورش که از مطالعات و پژوهش‌های گوناگون و مصاحبه با کارشناسان و دست‌اندرکاران اخذ گردیده‌اند؛ در ۷ محور دسته‌بندی و ارائه شده است.

الف) نیروی انسانی

همگان بر این باورند که نیروی انسانی باارزش‌ترین سرمایه‌های باارزش هر سازمان هستند. این امر به‌ویژه در آموزش و پرورش با توجه به نقش الگویی معلم در تربیت دانش‌آموزان و در وزارتخانه‌ایی که بیش از ۹۵ درصد از هزینه‌های خود را صرف امور پرسنلی می‌کند و حداقل نیمی از کارکنان دولت را تحت پوشش دارد، از اهمیت و جایگاه مضاعفی برخوردار می‌شود. بی‌شک دستیابی به هدف‌های والای آموزش و پرورش و آرمان‌های سند چشم‌انداز در گرو مدیریت درست این منابع باارزش است.

متأسفانه در حال حاضر مسیر بهره‌گیری از نیروی انسانی و ارتقای کیفیت و بهره‌وری در آموزش و پرورش با مخاطرات و چالش‌هایی مانند نارسایی آماری، فقدان یا عدم دقت شاخص‌های اندازه‌گیری، نبود برنامه‌ریزی منسجم برای بهبود و جلب حمایت و پشتیبانی معلمان، مدیران و مسئولین و خانواده‌ها روبروست. علاوه‌براین آسیب‌ها و نارسایی‌های دیگری نیز در راستای استفاده مطلوب از ظرفیت‌های نیروی انسانی در آموزش و پرورش وجود دارد که به اجمال به برخی از آنها اشاره می‌شود.

در حال حاضر مشکلات زیر در این حوزه مشهود است:

- گزینش و جذب نیروهایی با بنیه علمی ضعیف، بی‌علاقه و عدم جذب فارغ‌التحصیلان مستعد و خلاق.
- تنگناهای معیشتی، کمی رضایت شغلی و فقدان شبکه حمایت از معلمان.
- نبود ارتباط مناسب میان معلمان، دانش‌آموزان و والدین.
- نبود سیاست اصولی برای آموزش، نگهداری و ارتقای شغلی معلمان.

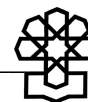


- ضعف بنیه علمی، پایین بودن مهارت حرفه‌ای در بهره‌گیری از روش‌های نوین تدریس، عدم انطباق با تغییرات ایجاد شده در نقش معلم بر اثر پیشرفت فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و ضعف حرفه‌ای در مدیریت کلاس.
- ناآشنایی بسیاری از معلمان با روش‌های سنجش یادگیری‌ها، تهیه و اجرای آزمون‌های سنجش پیشرفت تحصیلی و تجهیزات آموزشی.
- ناآشنایی معلمان و مربیان با رویکردهای نوین و نظریات جدید در حوزه روان‌شناسی و علوم تربیتی و ضعف نگرش و مهارت در تحقیق و اقدام‌پژوهی.
- پایین بودن سطح مدرک و کیفیت آموزش و فقدان گروه‌های علمی-پژوهشی در مراکز تربیت معلم.
- نبود زمینه برای مشارکت مناسب معلمان و مربیان در گروه‌های آموزشی، برنامه‌های مدرسه، فعالیت‌های پرورشی و فوق برنامه.
- ساماندهی نامناسب نیروی انسانی، کمبود شدید معلمان و مربیان پرورشی، تربیت بدنی، مربی بهداشت و مشاور و در عین حال وجود نیروی مازاد، بالاتکلیف و غیررسمی در مدارس.

ب) دانش‌آموز و مربی

دانش‌آموزان مهمترین عناصر برای آینده‌سازی کشور و گرانبهاستین سرمایه‌های کشور و خانواده‌های خود هستند که برای تعلیم و تربیت مطلوب و آماده شدن برای ورود به عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی در آینده‌ای نزدیک، به آموزش و پرورش و مدارس سپرده می‌شوند. فرصت‌ها و سال‌های باارزش نوجوانی و جوانی در اختیار معلمان و مربیانند. متأسفانه نظام آموزش و پرورش ما آنچنان‌که باید و شایسته است، از بهره‌گیری این ظرفیت عظیم و انرژی و استعداد نونهالان ناتوان است و بنا به بررسی‌های موجود سال‌های باارزشی از دانش‌آموز و سرمایه‌های غیرقابل جبرانی در مسیر آموزش و پرورش رسمی و حضور در مدرسه از نظام و خانواده‌ها تلف می‌شود.

برای مثال در ۶ سال گذشته مجموعاً حدود ۵ میلیون نفر و در سال تحصیلی ۱۳۸۵-۱۳۸۶ فقط در دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و اول متوسطه نزدیک به ۷۰۰ هزار نفر مردود شده‌اند که گذشته از آسیب‌های فردی و اجتماعی آن، صرفاً با احتساب حداقل ۱۰ میلیون ریال هزینه سرانه دولت بابت هر دانش‌آموز، هزینه اتلاف مستقیم این شکست، معادل ۷۰۰ میلیارد تومان است و در صورتی که هزینه‌های سرمایه‌ای و هزینه‌های ناشی از فرصت‌های از دست رفته و هزینه‌های غیرمستقیم نظام و خانواده‌ها نیز محاسبه شود، خسارات بسیار اسفناک و حیرت‌آور خواهد بود. به این مجموعه باید آمار گروهی را که ترک تحصیل نموده‌اند نیز اضافه کرد. در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷ این رقم در حدود ۳۲ هزار نفر بوده است.



برخی گزارش‌ها و پژوهش‌ها نشان می‌دهد حداقل ۵۰ درصد کودکانی که در بار اول و ۹۰ درصد دانش‌آموزانی که برای بار دوم مردود می‌شوند ترک تحصیل می‌کنند که عوارض اجتماعی مضاعفی را بر جامعه تحمیل می‌کند، ضمن آنکه بسیاری از تحقیقات تأیید کرده‌اند که مردودی دانش‌آموز تأثیری بارز در پیشرفت تحصیلی و بهتر شدن درس او در سال بعد ندارد. همچنین برخی پژوهش‌ها نشان داد که توسعه پیش‌دبستانی و حمایت دولت از آموزش‌های قبل از تحصیلات رسمی، تأثیری قابل توجه در پیشرفت تحصیلی و کاهش افت تحصیل و تعداد مردودان دارد، به‌طوری که تعداد مردودان در دانش‌آموزانی که دوره پیش از دبستان را گذرانده‌اند، بیش از ۷ برابر کمتر از سایر دانش‌آموزان است. توسعه و حمایت از تحصیلات پیش‌دبستانی و ایجاد سازوکاری مشابه نظام واحدی و حذف مردودی از پیشنهادهای این بررسی برای اصلاح این روند است.

جدول ۳. تعداد مردودین دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در سال‌های اخیر

دوره	۱۳۸۲-۱۳۸۱	۱۳۸۳-۱۳۸۲	۱۳۸۴-۱۳۸۳	۱۳۸۵-۱۳۸۴	۱۳۸۶-۱۳۸۵	۱۳۸۷-۱۳۸۶
ابتدایی	۱۸۹,۷۴۸	۱۷۸,۴۱۱	۱۵۴,۶۰۲	۱۴۸,۰۱۶	۱۲۶,۸۱۴	۱۱۳,۸۷۰
راهنمایی	۴۳۱,۹۴۹	۴۱۱,۳۲۶	۳۲۴,۷۰۶	۳۱۴,۴۰۳	۲۵۴,۲۶۲	۱۵۰,۱۴۰
اول متوسطه	۴۰۷,۳۴۲	۴۲۸,۵۵۸	۳۷۸,۰۴۱	۳۷۱,۲۹۴	۳۱۸,۷۶۱	۲۸۷,۲۱۲
جمع مردودین	۱,۰۲۹,۰۳۹	۱,۰۱۸,۲۹۵	۸۶۷,۳۴۸	۸۳۳,۷۱۳	۶۹۹,۸۳۷	۵۵۱,۲۲۲
تعداد دانش‌آموزان کل ابتدایی، راهنمایی و اول متوسطه	۱۲,۹۱۴,۰۹۲	۱۲,۱۵۹,۴۴۲	۱۱۶۷۹۲۷۸	۱۱,۲۳۲,۱۶۵	۱۰,۸۱۲,۰۵۱	
مردودی (درصد)	۷/۸۹	۷/۱۳	۷/۱۴	۶/۲۳	۵/۱	

قابل ذکر است که تعداد مردودان سال‌های دوم و سوم متوسطه و پیش‌دانشگاهی به دلیل اجرای نظام واحدی قابل محاسبه نیست.

از سوی دیگر به دلیل عدم برنامه‌ریزی مناسب و عدم امکان ادامه تحصیل فارغ التحصیلان رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش در نظام جدید متوسطه و همچنین عدم امکان اعزام این افراد به خدمت نظام وظیفه به دلیل اینکه به سن قانونی اعزام (۱۸ سالگی) نرسیده‌اند، همه‌ساله قریب به ۲۰۰ هزار نفر از پسران فارغ التحصیل این رشته‌ها و کسانی که به دلایل مختلف نمی‌خواهند وارد دوره پیش‌دانشگاهی و دانشگاه شوند، به دلیل محدودیت پذیرش و ورود به دوره‌های کاردانی، بالاجبار یک سال معطل می‌مانند که نام آن را چیزی جز اتلاف عمر این افراد و سرمایه ملی و انسانی نمی‌توان گذاشت. اصلاح روند هدایت تحصیلی، برقراری توازن بین رشته‌های تحصیلی و مشاغل مورد نیاز جامعه، افزایش زمینه‌های انتخاب در برنامه‌های درسی و افزایش مهارت و کارآیی فارغ التحصیلان از پیشنهادهای این بررسی است.



جدول ۴. تعداد فارغ التحصیلان پسر و دختر فنی و حرفه‌ای و کار و دانش از سال ۱۳۸۱ تاکنون

عنوان	۱۳۸۲-۱۳۸۱		۱۳۸۳-۱۳۸۲		۱۳۸۴-۱۳۸۳		۱۳۸۵-۱۳۸۴		۱۳۸۶-۱۳۸۵		۱۳۸۷-۱۳۸۶	
	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر
فنی و حرفه‌ای	۴۷,۵۴۷	۳۴,۵۸۶	۵۲,۹۷۵	۴۲,۲۶۳	۵۷۳۳۰	۴۶۳۸۱	۶۱,۴۷۴	۴۸,۴۵۶	۷۸,۸۲۶	۵۱,۳۸۵	۷۱,۱۶۵	۴۴,۹۱۴
کار و دانش	۶۷,۷۲۹	۶۳,۸۱۶	۶۳,۷۰۰	۶۴,۴۹۹	۶۴۶۵۸	۶۴۶۱۲	۶۶,۰۳۳	۶۴,۷۱۲	۱۰۱,۹۴۲	۸۰,۲۷۰	۹۴,۶۹۸	۶۷,۱۳۶
جمع	۱۱۵۲۷۶	۹۸۴۰۲	۱۱۵۶۷۵	۱۰۶۷۶۲	۱۲۱۹۸۸	۱۱۰۹۹۳	۱۲۷,۵۰۷	۱۱۳,۱۶۸	۱۸۰,۷۶۸	۱۳۱,۶۵۵	۱۶۵,۸۶۳	۱۱۲,۰۵۰

بنابراین لازم است در برنامه‌ریزی‌های فعلی تجدید نظر شود و با رفع آسیب‌ها و چالش‌های موجود همراه با آموزش فرهنگ و اصلاح الگوی مصرف سازوکار مناسب‌تری برای استفاده از ظرفیت دانش‌آموزان و تحقق تربیت مطلوب برداشته شود.

برخی دیگر از آسیب‌ها که در ارتباط با جایگاه دانش‌آموز وجود دارد به شرح ذیل است:

- تعارض بین کارکردهای بخش‌ها و نهادهای مختلف، که خود را در قالب تعارض بین خانواده و مدرسه و خانواده و دانش‌آموز نشان می‌دهد.
- نبود اطلاعات کافی از زمینه‌های خانوادگی، استعدادها و علایق و بی‌توجهی به تفاوت‌های فردی، نبود زمینه برای پرورش تفکرخلاق در دانش‌آموزان.

- عدم توجه به نیازها و توانایی‌های دانش‌آموزان در تدوین برنامه درسی، ارتباط ضعیف بین محتوای یادگیری و نیازهای زندگی، غیرفعال بودن دانش‌آموز در فرآیند یادگیری، عدم توجه به معرفی صحیح نقش‌های جنسیتی و بی‌توجهی به انتقال یادگیری از موقعیت کلاس درس به موقعیت زندگی واقعی.

- ضعف انگیزه درونی دانش‌آموزان نسبت به تحصیل و کاهش سطح علایق دانش‌آموزان در یادگیری که از عوامل بالا رفتن نرخ افت تحصیلی است.

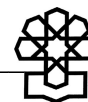
- عدم کارآیی تربیت اجتماعی و اخلاقی، ضعف توجه نسبت به کسب مهارت‌های مؤثر ارتباطی، اجتماعی و شهروندی.

- کم‌توجهی به تفاوت‌های فردی، جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و ویژگی‌های جسمی، جنسیتی و استعدادهای فردی در برنامه‌ریزی‌های آموزش و پرورش.

- کم‌توجهی به تربیت بدنی و بهداشت، تغذیه و سلامت جسمی و روانی دانش‌آموزان.

- غلبه رویکرد تفکیکی در اجرای برنامه‌های آموزشی و پرورشی و ناکافی بودن محتوای دینی

در برنامه‌های درسی.



ج) برنامه و محتوای درسی

اهم مشکلات این حوزه عبارت است از:

- برنامه درسی موضوع‌مدار، بی‌تفاوت نسبت به تفاوت‌های اقلیمی - محیطی، کم‌توجه به مبانی علمی و روان‌شناختی، مقاوم و غیرمنعطف در برابر دیدگاه معلم و در مواردی دارای تعارض با ارزش‌های جامعه.
- انعطاف‌ناپذیری و کم‌حرکی در برابر نوآوری‌های آموزشی، رویکردهای تلفیقی و تحولات اجتماعی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی.
- تمرکز بر روش‌های سنتی و یکسویه در آموزش، نبود زمینه برای پرورش تفکر تحلیلی، حل مسئله و نگرش عقلانی.
- آرمان‌گرایی در اهداف قصد شده و در عین حال، پاسخگو نبودن به نیازها و انتظارات جامعه.
- تأثیرپذیری شدید برنامه و محتوای آموزشی از نحوه پذیرش دانشجو و غلبه رویکرد تست‌زنی بر تحلیل، حل مسئله و مهارت‌ورزی.
- ناهماهنگی برخی از مقررات تحصیلی به‌ویژه در ارتقا و قبولی دانش‌آموزان و نیز در محتوا و روش‌های آموزشی بین دوره‌ها و در نتیجه افت شدید تحصیلی در برخی پایه‌ها مانند اول متوسطه.
- تأکید بیش از اندازه بر ارزشیابی تراکمی و عدم توجه به ارزشیابی‌های فرآیندی.

د) ساختار، تشکیلات و مدیریت

اهم مشکلات این حوزه عبارت است از:

- حاکمیت ساختار دوره‌های تحصیلی کهنه و ناکارآمد و تقلیدی، کمرنگ بودن و ناکافی بودن آموزش‌های پیش‌دبستانی، نامشخص بودن و کم‌اهمیتی مدرک، محتوا، روش‌های تربیتی و آموزشی دوره پیش‌دانشگاهی برای معلمان و دانش‌آموزان.
- کم‌توجهی به حوزه حرفه‌ای- تخصصی در مدیریت آموزشی، نبود استراتژی و سیاست مشخص در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌گیری براساس اطلاعات و نیازهای بخشی و نبود نظام ارتباطی مناسب برای هماهنگی و تبادل تجارب مدیریتی.
- ضعف پاسخگویی، وجود تشکیلات ناکارآمد، غیرضرور و موازی.
- بی‌اثر شدن نسبی فرآیند برنامه‌ریزی به‌دلیل تداوم قانون‌گریزی و عدم التزام به برنامه‌ها و مصوبات و اتخاذ تصمیمات موازی، مغایر و ناسازگار با برنامه‌ها.
- ضعف پشتوانه کارشناسی، پژوهشی و تخصصی برنامه‌ها و ایده‌های پیشنهادی و تفوق گرایش‌های سیاسی - مدیریتی بر نظرات کارشناسی.



هـ) فضاهای آموزشی و تربیتی

اهم مشکلات این حوزه عبارت است از:

- غیراستاندارد و ناکافی بودن فضاهای آموزشی و پرورشی مانند کلاس، اردوگاه، کانون‌های تربیتی، نمازخانه، کتابخانه، کارگاه، آزمایشگاه، فعالیت‌های ورزشی و تغذیه و بهداشت مدارس و ...
- کمبود وسایل و تجهیزات آموزشی و کمک‌آموزشی که زمینه‌ساز تبعیض آموزشی و تربیتی، افت و کاهش پیشرفت تحصیلی است.
- ناکافی بودن اعتبارات برای توسعه و تجهیز مدارس و در نتیجه وجود تعداد بسیار زیاد از مدارس دو نوبته، استیجاری، تخریبی، قلع و قمع در بسیاری از مناطق کشور؛ به‌ویژه شهرهای بزرگ.
- نامناسب بودن بسیاری از فضاهای آموزشی و تربیتی برای دختران.

و) تجهیزات و فناوری آموزشی

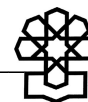
اهم مشکلات این حوزه عبارت است از:

- نبود سیاست‌های هماهنگ و مدون در زمینه جایگاه تجهیزات آموزشی و تجهیز مدارس به فناوری‌های آموزشی و کاربرد فناوری‌ها.
- تنگناها و مشکلات مالی مدارس برای تجهیز آموزشگاه‌ها به ابزارها و تجهیزات تازه و نوین.
- نبود دانش، مهارت و نگرش صحیح نسبت به آثار تجهیزات و فناوری‌های آموزشی، و در نتیجه نبود انگیزه کافی برای تهیه و کاربرد آن در بین مدیران و معلمان.
- نبود نظام نگهداری و پشتیبانی مستمر از تجهیزات و فناوری‌های مدارس.

ز) منابع مالی

اهم مشکلات این حوزه عبارت است از:

- عدم کفایت و ثبات منابع مالی و دشوار شدن برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی.
- افزایش درجه نااطمینانی در تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌ها، به دلیل کمبود منابع مالی.
- عدم به‌کارگیری شیوه‌های بهینه تأمین منابع مالی. بی‌اعتمادی به بخش غیردولتی و عدم امکان و یا اهتمام برای اجرای قوانین و مصوبات موجود از جمله بند «ج» ماده (۵۲) و ماده (۱۴۵) قانون برنامه چهارم و مواد (۱۳) و (۱۶) قانون مدیریت خدمات کشوری.
- عدم تناسب در توزیع بودجه بین استان‌ها، شهرستان‌ها، مناطق و مدارس و همچنین برنامه‌ها.



۳. راهکارهای پیشنهادی

بر پایه محورهای دسته‌بندی شده در هر قسمت راهکارهایی پیشنهاد می‌شود:

الف) راهکارهای اصلاح نیروی انسانی

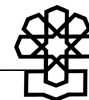
- تعیین استانداردها و ملاک‌های تخصصی برای جذب معلم، ارتقا و اعتباربخشی علمی - تخصصی مراکز تربیت معلم و ارتقای شأن علمی و منزلتی معلمان.
- ارتقای سطح رفاه و معیشت، بهداشت، سلامت و تأمین اجتماعی معلمان.
- تهیه برنامه جامع جذب، نگهداشت و ارتقای معلم، راه‌اندازی شبکه‌های ارائه خدمات حمایتی به معلمان مانند حمایت حقوقی و قضایی، ارائه تسهیلات و امکان ارتقای شغلی.
- توسعه کاربرد رویکردهای نوین در تدوین برنامه‌های درسی، ایجاد زمینه برای ارتقای دانش و مهارت‌های حرفه‌ای معلمان، به‌ویژه در زمینه فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات و افزایش اقتدار مدرسه و معلم در طراحی و تدوین برنامه‌های درسی.
- ایجاد تحول در آموزش ضمن خدمت معلمان، آشناسازی معلمان و مربیان با تحولات روان‌شناسی یادگیری شناختی، تغییر اساسی در ساختار، تشکیلات و آموزش‌های تربیت معلم.
- ایجاد و تقویت نظام مشارکت و بهره‌گیری از نظرات و توان علمی معلمان، ایجاد گروه‌های هم‌اندیشی و انجمن‌های تخصصی در سطح منطقه و شهر و مشارکت بیشتر معلمان در برنامه‌های درسی و فوق برنامه‌ها.
- تلاش برای جذب مربیان پرورشی، تربیت بدنی، مربی بهداشت و مشاوران توانمند و با انگیزه در مدارس و استفاده مناسب‌تر از ظرفیت‌های موجود معلمان در این زمینه‌ها.
- بازنگری برخی قوانین و مقررات فعلی در جهت نگهداشت نیروهای کارآمد مانند بازنشستگی پیش از موعد و ساماندهی و توزیع متناسب و عادلانه نیروی انسانی بین مناطق، مدارس و دوره‌های تحصیلی.
- بازنگری در ساختار و تشکیلات و برنامه‌های مراکز تربیت معلم، آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای، مجتمع پیامبر اعظم و دانشگاه فرهنگیان در جهت هماهنگی و انسجام فعالیت‌ها.

ب) راهکارهای اصلاح دانش‌آموز و مربی

- بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانون احیای معاونت پرورشی و توجه به دیدگاه‌ها و رویکردهای جدید در زمینه پرورش و ماهیت دانش‌آموز به‌عنوان انسانی آزاد و انتخابگر، مستقل، مسئولیت‌پذیر،



- دارای کرامت، عزت و منزلت و تقریب بیشتر آموزش با تربیت.
- توجه به رویکردهای تحولی در شناخت‌گرایی و سازندگی در برنامه درسی و توجه به فعالیت‌های فردی و گروهی دانش‌آموزان در بناسازی دانش، رفتار و شخصیت.
 - بازنگری در اهداف و جهت‌گیری‌های اساسی آموزش و پرورش، توجه به تحولات جهانی و رعایت اصل هماهنگی دیدگاه‌ها، تلاش برای شناسایی و رفع تعارضات ارزشی.
 - تلاش برای تدوین الگوی نظام خانواده مطلوب با همکاری دستگاه‌های ذیربط، تحکیم بنیان خانواده، گسترش نظام‌های حمایتی، ارائه آموزش‌های لازم و تأمین خدمات بهداشت روانی برای خانواده.
 - بهره‌گیری از روش‌های نوین و برنامه‌ریزی برای تدوین برنامه جامع آموزش و سنجش انفرادی و گروهی دانش‌آموزان، با هدف توسعه روحیه کار گروهی و توجه به تفاوت‌های آنان، ثبت کامل و یکپارچه کلیه سوابق تحصیلی، تربیتی، رفتاری و بهداشتی دانش‌آموزان.
 - توجه به سطح رشد شناختی دانش‌آموزان، اصلاح نظام هدایت تحصیلی و ایجاد زمینه مناسب‌تر برای انتخاب درس و رشته مورد علاقه و متناسب با تقاضای اجتماعی،
 - تقویت رویکرد پژوهش‌محوری، خلاقیت و نوآوری، خردورزی، کارآفرینی و مهارت‌ورزی و توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای.
 - تلاش برای ارتقای پوشش تحصیلی با استفاده از آموزش از راه دور، مجازی و افزایش کارآیی درونی، کاهش نرخ افت تحصیلی و افزایش نرخ گذر تحصیلی به‌خصوص برای دانش‌آموزان دختر و روستایی.
 - توجه به روش‌های فعال در تدوین محتوای آموزش، مرتبط ساختن محتوای آموزش با نیازهای زندگی و عمیق کردن یادگیری‌ها با هدف انتقال یادگیری به شرایط خارج از کلاس درس.
 - تصحیح فرآیند تربیت اجتماعی و اخلاقی، تدوین نظام جامع ارائه خدمات مشاوره و بهداشت جسمانی و روانی و تحصیلی دانش‌آموزان و ارائه و آموزش مهارت‌های اجتماعی و شهروندی.
 - اصلاح روند هدایت تحصیلی، برقراری توازن بین رشته‌های تحصیلی و مشاغل مورد نیاز جامعه، افزایش زمینه‌های انتخاب در برنامه‌های درسی و و افزایش مهارت و کارآیی فارغ‌التحصیلان.
 - توجه به آموزش بزرگسالان، توسعه سوادآموزی و آموزش و پرورش دانش‌آموزان شاهد، ایثارگر، دارای استعدادهای درخشان، استثنایی، عشایری، مناطق محروم، خارج کشور، اقلیت‌های دینی و مذهبی، مناطق مرزی، معاودین و مهاجرین و
 - به‌کارگیری مربیان بهداشت و کارشناسان تغذیه و اعزام گروه‌های درمانی، بهداشتی و مشاوره‌ای در جهت توجه به تغذیه، بهداشت جسمی، روانی، پیشگیری و مبارزه با آسیب‌های اجتماعی و روانی



- و بهبود تربیت بدنی و غنی‌سازی اوقات فراغت دانش‌آموزان.
- توسعه فرهنگ پژوهش و پرسشگری بین دانش‌آموزان با توسعه و تقویت پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی و گسترش جشنواره‌های علمی و پژوهشی.
- تقویت و گسترش آموزش عمومی به‌ویژه دوره آموزش پیش‌دبستانی در مناطق محروم و کمتر توسعه یافته.

ج) راهکارهای اصلاح برنامه و محتوای درسی

- سرعت‌بخشی به تکمیل و اجرایی کردن تلاش‌های چندین ساله وزارت آموزش و پرورش برای تدوین فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران، فلسفه آموزش و پرورش عمومی و رسمی، رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی و سند ملی، برنامه درسی ملی و
- تحول در نظام برنامه‌های درسی از طریق توجه به رویکردهای فرآیندمدار، زمینه‌سازی برای انعطاف‌پذیری در برنامه درسی در قالب برنامه درسی ملی، کاهش درجه تمرکز در تولید برنامه درسی، و ایجاد زمینه برای قدرت انتخاب معلم.
- تلاش برای سرعت‌دهی و سازگارسازی برنامه‌های درسی با تحولات و تغییرات در تراز جهانی، و ورود نوآوری‌های آموزشی با همکاری دانشگاه‌ها و مجامع علمی و پژوهشی در سطح ملی و بین‌المللی.
- تقویت آموزش‌های بدو و ضمن خدمت با هدف ایجاد زمینه برای تحول در نگرش معلمان نسبت به روش‌های آموزش، ایجاد انعطاف در برنامه درسی جهت مراجعه دانش‌آموزان به منابع مختلف درسی و غیردرسی، تأکید بر سؤال‌انگیزی و مسئله به جای پاسخ‌مداری و انتقال معلومات و ایجاد فرصت برای برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، حل مسئله و پژوهش‌انگیزی.
- تأکید بر پاسخگو بودن آموزش‌ها، تقویت ارزشیابی توصیفی و تکوینی و تأکید بر رعایت استانداردهای برنامه درسی ملی.
- اهتمام و تلاش برای اجرای قانون اصلاح نظام پذیرش دانشجو و رفع نارسایی‌ها و نواقص احتمالی آن، با هدف اصلاح جهت‌گیری آموزشی و نهادینه‌سازی روش‌های تحلیلی، مهارت‌ورزی و حل مسئله.
- ایجاد رقابت مثبت بین مدارس دولتی و غیرانتفاعی برای تولید محتوا و برنامه‌های نوین و تحول‌آفرین.

د) راهکارهای اصلاح ساختار، تشکیلات و مدیریت

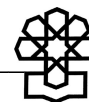
- بازنگری در ساختار و اهداف دوره‌های تحصیلی با هدف ارتقای کیفیت آموزش و متناسب‌سازی آن با اهداف آموزشی و تربیتی.



- گسترش و تقویت ارتباط با دستگاه‌ها و سازمان‌های فرهنگی و آموزشی مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی، صداوسیما، وزارتخانه‌های علوم و ارشاد اسلامی.
- ارائه آموزش‌های کافی و مناسب به مدیران در جهت تقویت جایگاه تخصصی، شایسته‌گزینی و ثبات مدیران.
- طراحی نظام برای بهره‌گیری از تجارب و الزام به تصمیم‌گیری در مدیریت‌ها بر حسب اطلاعات و آمارهای متقن، سوابق و تجارب گذشته و پرهیز از تصمیمات سلیقه‌ای.
- اهتمام به نظارت و ارزیابی دوره‌ای، استانداردسازی روش‌ها و سیستم‌ها و ارزیابی از کارآمدی ساختارها از ستاد تا مدرسه.
- تلاش برای تدوین احکام مناسب در برنامه پنجم و تصویب آنها در مراجع قانونی با هدف کاهش بخشی از مشکلات و موانع موجود آموزش و پرورش.
- بازنگری در تشکیلات، ساختارها و سازماندهی واحدهای ستادی و معاونت‌ها، مطابق با قانون مدیریت خدمات کشوری در جهت ارتقای بهره‌وری.
- تقویت فرآیند نظارت بر تحقق برنامه‌ها، افزایش تعامل بین معاونت‌ها و واحدها و طراحی و استقرار نظام برنامه‌ریزی استراتژیک.
- ارتقای نقش نظرات کارشناسانه و یافته‌های پژوهشی در تصمیم‌سازی.
- تقویت نظام ارتباطی و پاسخگویی مدیریت‌ها با توسعه روابط با سایر نهادها مانند رسانه‌ها، مجلس، ائمه جمعه و مردم.
- استفاده گسترده‌تر از توانایی مدیریتی زنان فرهنگی در بخش‌ها و سطوح مختلف.

ه) راهکارهای اصلاح فضاهای آموزشی و تربیتی

- توجه به مکان‌یابی در ایجاد و توسعه مدارس دولتی و غیردولتی، بازسازی کلاس‌ها و فضاهای آموزشی از طریق خودیاری والدین و کمک‌های مردم.
- تشویق، حمایت و کمک به خیرین مدرسه‌ساز برای مشارکت در امور مدرسه‌سازی و تجهیز مدارس و طراحی برنامه‌هایی برای استفاده از سنت وقف، هدیه و درآمدهای مالیاتی.
- ایجاد زمینه‌های مناسب‌تر برای اجرای قانون ایجاد سازمان مدارس غیردولتی و مشارکت‌های مردمی و کاهش نقش دولت در مدرسه‌سازی.
- بهره‌گیری از ظرفیت دیگر دستگاه‌ها، نهادها و شوراهای منطقه‌ای برای کمک به آموزش و پرورش در مدرسه‌سازی و تجهیز فضاها.
- تلاش برای کسب منابع مالی جدید و اجرای قانون ممنوعیت قلع و قمع فضاهای آموزشی و رفع



- مشکل مدارس استیجاری، کپری و غیراستاندارد.
- استفاده بیشتر و مناسب‌تر از امکانات موجود و بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانونی برای اجاره، فروش و تبدیل به احسن نمودن فضاها و امکانات آموزش و پرورش.
 - نظارت دقیق‌تر بر اجرای قانون تخریب و مستحکم‌سازی مدارس غیراستاندارد و تلاش برای اقدام و یا تصویب قوانین مشابه در زمینه مدرسه‌سازی.
 - افزایش نسبت و استانداردسازی فضا و تجهیزات نمازخانه، کتابخانه، کارگاه، آزمایشگاه، ورزشگاه، سرویس‌های بهداشتی و آبخوری و... مدارس.
 - تعریف استانداردهای پذیرفته شده برای فضاها و فیزیکی و مصرف انرژی.
 - آموزش و استفاده از مشارکت و همکاری دانش‌آموزان و کارکنان برای بهداشت و نگهداشت فضاها.
 - توجه ویژه به نشاط، زیباسازی و مناسب‌سازی فضاها به‌ویژه برای دختران.

و) راهکارهای اصلاح تجهیزات و فناوری آموزشی

- ایجاد نظامی برای نیازسنجی، زمینه‌سازی و ارائه راهکار برای طراحی و کاربرد تجهیزات آموزشی و فناوری‌های نوین اطلاعاتی.
- ایجاد زمینه مناسب برای تدارک و استانداردسازی تجهیزات مانند میز و نیمکت، تخته و سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی مدارس در جهت تقویت برنامه‌های آموزشی.
- برگزاری دوره‌های آموزشی مؤثر جهت شناخت مزایای کاربرد تجهیزات و فناوری‌های آموزشی برای کارشناسان، برنامه‌ریزان، مدیران و تصمیم‌گیران.
- طراحی نظام پشتیبانی، بازسازی و تعمیر وسایل و تجهیزات آموزشی جهت حمایت از تجهیزات و فناوری‌های مدارس به‌ویژه هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش.

ز) راهکارهای اصلاح منابع مالی

- تلاش برای افزایش سهم بخش غیردولتی با گسترش و تقویت شوراهای مناطق و گسترش انواع مدارس مشارکتی و غیردولتی.
- تدوین دستورالعمل‌های شفاف اجرایی برای اجرای قوانین موجود در راستای برون‌سپاری امور غیرحاکمیتی به‌طوری که در آن نگرانی‌ها و سؤالات دولت، وزارت آموزش و پرورش، اولیای دانش‌آموزان، معلمان، مدیران، مجریان و مراجع بازرسی و رسیدگی به روشنی پاسخ داده شده باشد.



- صرفه‌جویی در منابع با افزایش سرعت، دقت و مطلوبیت در اجرا.
- ایجاد نظام علمی و منطقی برای برآورد، تأمین، تخصیص، توزیع و نظارت بر مصرف منابع در بین برنامه‌ها، معاونت‌ها، استان‌ها، مناطق و مدارس.

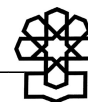
۴. ظرفیت‌های مجلس برای اصلاح الگوی مصرف در آموزش و پرورش

بی‌تردید اصلاح آسیب‌های گفته شده و استقرار الگوی درست مصرف و بهره‌گیری از منابع و فرصت‌ها در آموزش و پرورش منوط به همکاری همه نهادها و دست‌اندرکاران، از جمله مجلس شورای اسلامی است. مجلس شورای اسلامی می‌تواند با وضع قوانین لازم و نظارت دقیق بر اجرای مصوبات و قوانین، تمرکز دولت و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش را بر افزایش راندمان هزینه‌های مصرفی، ارتقای بهره‌وری و بهبود کیفیت آموزش معطوف کند.

به‌علاوه، مجلس می‌تواند با دقت در تخصیص بودجه جاری دستگاه‌ها و نهادهای دولتی، ضمن جلوگیری از افزایش غیرمنطقی بودجه دستگاه‌ها، نسبت به اجرای دقیق بودجه‌ریزی عملیاتی برای دستگاه آموزش و پرورش نقشی مؤثر داشته باشد. نقش مجلس از دو بعد قانونگذاری و نظارتی قابل بررسی است.

۴-۱. ظرفیت‌های نظارتی

خوشبختانه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در جهت گسترش کمی و کیفی خدمات آموزشی قوانین بسیار متری و نسبتاً جامعی از سوی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است. قانون تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۵۸) قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش (۱۳۶۶)، قانون تشکیل شوراهای مناطق (۱۳۷۲)، قانون احیای معاونت پرورشی، قانون اصلاح نظام پذیرش دانشجو (۱۳۸۶) و قانون تشکیل سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی (۱۳۸۶) و... از این جمله‌اند. متأسفانه به‌دلایلی که بیان آنها به فرصت‌های موسع‌تری نیاز دارد بسیاری از ظرفیت‌های این قوانین بلااجرا مانده و یا آنچنان که باید به اجرا در نیامده است. برای مثال در (ماده ۱۱) قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش (مصوب ۱۳۶۶) آمده است: «وزارت آموزش و پرورش موظف است ظرف ۶ ماه از تاریخ تصویب این قانون تشکیلات تفصیلی خود را براساس مفاد این قانون تهیه و به تأیید سازمان امور اداری و استخدامی کشور برساند و برنامه تغییر بنیادی نظام آموزشی و پرورشی مقاطع تحصیلی را براساس این قانون به تصویب مجلس شورای اسلامی برساند». متأسفانه علیرغم گذشت بیش از ۲۲ سال اقدامی



در این باره صورت نگرفته و کماکان این وزارت از ساختار کهنه و تقلیدی و ناکارآمد و سنتی خود رنج می‌برد که این امر بارها گله‌مندی مقام معظم رهبری را به دنبال داشته است.

یا در ماده قانون راجع به تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش مصوب شورای انقلاب ۱۳۵۸ و اصلاحیه‌های بعدی آن در مجلس (۱۳۸۱) آمده است: «هیچ یک از مقررات آموزشی و پرورشی کشور که با وظایف شورای عالی آموزش و پرورش مربوط است قبل از تصویب در شورا رسمیت نخواهد داشت». با وجود این تغییرات سلیقه‌ای بسیاری از سوی وزیران آموزش و پرورش یا اعمال نظرات معاونت‌ها و استان‌ها به اجرا در آمده‌اند که شورای عالی هیچ دخالت و یا نظارتی بر آن نداشته و مجلس نیز عکس‌العملی نشان نداده است. اجرای نظام جدید متوسطه و اصلاحیه‌های بعدی آن، تغییرات چندین باره در ساختار و تشکیلات وزارتخانه، به‌کارگیری وسیع نیروهای حق التدریس، حذف معاونت پرورشی (۱۳۸۱) و البته احیای آن (۱۳۸۵)، ایجاد و حذف مدارس نمونه مردمی و بسیاری دیگر از اقدامات اساساً بدون توجه به نظر شورای عالی و مجلس اجرا شده‌اند.

مثال‌هایی از این دست فراوان است؛ لذا ضرورت دارد که مجلس و نمایندگان آن برای استفاده از اختیار نظارتی خود اهتمام بیشتری نمایند و وزارت آموزش را در جهت کارآیی بیشتر، جلوگیری از دوباره‌کاری و اتخاذ تصمیمات مقطعی و سلیقه‌ای یاری رسانند. به برخی از مهمترین مصوبات و قوانین که اجرای مناسب آنها می‌تواند به پیشبرد امور آموزشی کمک بیشتری کند، به اجمال اشاره می‌شود.

الف) نظارت بر اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری (مصوب ۱۳۸۶)

بی‌شک توجه به اهداف قانون مدیریت خدمات کشوری از جمله:

- بهبود نظام بوروکراسی اداری،
- افزایش رضایت مردم و ارباب رجوع،
- سرعت و دقت شفافیت در ارائه خدمات برای مردم،
- کاهش ساختارها و پیچ و خم اداری،
- عدالت در نظام پرداخت،
- ارتقای نقش دولت از تصدیگری به نقش سیاستگذاری، هدایت و نظارت،
- مشارکت تعریف شده مردم،
- دفاع از حقوق پرسنل و کارکنان در بخش دولتی و خصوصی،
- توسعه دولت الکترونیک و خدمات الکترونیکی؛ و ظرفیت‌های نوین آن فرصت‌های تازه‌ای را



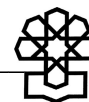
در اختیار دستگاه‌های دولتی برای اصلاح الگوی مصرف قرار خواهد داد.

لذا نتیجه اجرای مناسب آن در دستگاه اداری آموزش و پرورش که حداقل نیمی از کارکنان دولت را در بر می‌گیرد، نتیجه اجرای مدیران، مردم و کارکنان خواهد بود. تحقق این اهداف در برخی احکام قانون مدیریت خدمات کشوری زمینه اصلاح الگوی مصرف و افزایش بهره‌وری را نیز فراهم خواهد کرد. بی‌شک اگر نظام اداری در آموزش و پرورش اصلاح شود، زمینه اصلاح بسیاری از بخش‌ها مساعد خواهد شد. گرچه اصلاح الگوی مصرف نیاز به یک حرکت همه‌جانبه فرهنگی و اقتصادی دارد، اما نقطه عطف این قانون، اصلاح مدیریت بخش عمومی و دولتی است. اگر دولت در سیاستگذاری، نظارت و انجام اموری که برعهده دارد، «اصلاح الگوی مصرف» را رعایت کند، آثار مستقیم و غیرمستقیم آن در سایر بخش‌های اجتماعی دیده خواهد شد. به عبارت دیگر برای حرکت به سوی اصلاح الگوی مصرف، در کوتاه‌مدت لزوماً باید از نظام اداری شروع کرد. که آموزش و پرورش وسیع‌ترین و مهم‌ترین آنهاست.

برای مثال مطابق احکام و آثار فصل دوم (راهبردها و فناوری انجام وظایف دولت)، اموری مانند آموزش و پرورش عمومی، فنی حرفه‌ای، علوم و تحقیقات، درمان، توان‌بخشی، تربیت بدنی و ورزش، اطلاعات و ارتباطات عمومی و امور فرهنگی هنری و تبلیغات اسلامی از طریق شیوه‌های زیر توسط مردم انجام می‌شود:

- اعمال حمایت‌های لازم از بخش تعاونی و خصوصی و نهادها و مؤسسات عمومی.
- خرید خدمات از بخش تعاونی و خصوصی و نهادها و مؤسسات عمومی.
- مشارکت با بخش تعاونی و خصوصی و نهادها و مؤسسات عمومی.
- واگذاری واحدهای دولتی به خصوصی و نهادها و مؤسسات عمومی.

دولت باید با استفاده از این ظرفیت قانونی که در قانون بودجه نیز برای آن اعتبار در نظر گرفته شده است، در جهت اداره مستمر کارهایی که از طریق مشارکت مردم انجام می‌گیرد، بهره‌وری را افزایش دهد و الگوی مصرف را اجرا کند. برای حسن اجرای این ماده همچنین لازم است دستگاه‌های دولتی از جمله آموزش و پرورش، فعالیت‌های قابل واگذاری یا مشارکت با بخش خصوصی را احصا و با یک برنامه زمان‌بندی اجرا کنند و مجلس شورای اسلامی و نهادهای نظارتی نیز با بررسی و نظارت دقیق و استفاده از سیستم تشویق و تنبیه، دولت را در این هدف مهم یاری کنند. ضمن آنکه قانون مدیریت خدمات کشوری براساس ماده (۱۶) برای افزایش بهره‌وری و استقرار نظام کنترل نتیجه و محصول و جلوگیری از تمرکز تصمیم‌گیری، اختیارات لازم را به مدیران اداره واحدهای تحت سرپرستی داده است. برای مثال اداره مدرسه از طرف آموزش و پرورش به یک یا چند نفر از نیروهای متعهد، توانا و باسابقه آموزش و پرورش و یا



تعاونی مرکب از این افراد واگذار خواهد شد. هزینه‌های سرانه دانش‌آموزان پس از محاسبه به‌صورت سرانه در اختیار آنها قرار گیرد و در مقابل والدین و مدیران ستاد آموزش و پرورش با نظارت مؤثر فرآیند کار را پیگیری کنند. مطابق اطلاعات موجود تاکنون آموزش و پرورش و دولت موفق به تدوین آیین‌نامه‌های مربوط نشده و اقدام مهمی برای اجرای آن انجام نشده است.

ب) قانون برنامه چهارم

طبق بند «ج» ماده (۵۲) قانون برنامه چهارم، «دولت موظف است نسبت به تدابیر لازم به منظور توسعه استقلال مالی، مدیریتی و اجرایی واحدهای آموزشی (مدارس) در جهت استفاده هرچه بیشتر از سرمایه و توان اجرایی بخش غیردولتی، در توسعه ظرفیت‌ها و ارتقای بهره‌وری آنها اقدام کند. باوجود این و علیرغم وجود قوانین نسبتاً مساعد و مؤید در جهت تحقق این مهم از جمله (بند «۷») ضوابط اجرایی بودجه سال ۱۳۸۷ کل کشور، مواد (۱۳) و (۱۶) قانون مدیریت خدمات کشوری، ماده (۱۴۴) قانون برنامه چهارم توسعه، قانون شوراهای آموزش و پرورش استان‌ها، شهرستان‌ها و مناطق کشور (مصوب ۱۳۷۲/۱۰/۲۶) و حتی برخی مواد قانون برنامه سوم و...؛ به نظر می‌رسد، اجرای این تکالیف قانونی در آموزش و پرورش با دشواری، ابهام، تردید و سؤالات بسیار روبرو بوده و نیازمند بررسی بیشتر و دقیق‌تر فرصت‌ها، رفع محدودیت‌ها و ایجاد زمینه‌های مناسب اجرایی است. همچنین لازم است بر اجرای احکام زیر که در ماده (۵۲) این قانون بر آن تصریح شده نظارت بیشتری معمول شود.

ه) ارتقای توانایی و مهارت حرفه‌ای معلمان، با تدوین استانداردهای حرفه‌ای معلم از جهت دانش، رفتار و عملکرد با استفاده از تجارب بین‌المللی و شرایط بومی کشور.
و) افزایش انگیزه شغلی معلمان، با تأمین جایگاه و منزلت حرفه‌ای مناسب و اصلاح نظام پرداخت متناسب با میزان بهره‌وری و کیفیت خدمات آنها.
ل) روزآمد نگه داشتن دانش و مهارت‌های کارکنان آموزش و پرورش در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات.

ط) برنامه‌ریزی برای تدوین برنامه آموزشی ارتقای سلامت و شیوه‌های زندگی سالم.
ح) تدوین و اجرای نظام سنجش صلاحیت علمی و رتبه‌بندی معلمان و ارتقای سطح آموزشی آنان.

ج) قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در استان‌ها و مناطق آموزشی (مصوب ۱۳۷۲)

مطابق قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در استان‌ها و مناطق آموزشی در هر استان و هر منطقه آموزشی جمعی از مسئولان دولتی و افراد صاحب نفوذ غیردولتی را درگیر مسائل



آموزش و پرورش می‌کند و از این طریق بخشی از منابع مورد نیاز آموزش و پرورش با اتصال به بدنه دولتی یا بدنه مردمی آن منطقه تأمین خواهند شد در حال حاضر شوراهای در تمام استان‌ها و مناطق کشور تشکیل شده است. در این شوراهای، استاندار یا نماینده او، امام جمعه، نمایندگان مجلس، مدیران آموزش و پرورش و جمعی از علاقه‌مندان و افراد خیر عضویت دارند. شوراهای منطقه‌ای دارای اختیارات عدیده و مهمی در زمینه‌های مختلف آموزش و پرورش هستند. از جمله تصویب ضوابط مربوط به سرانه دانش‌آموزی، تعیین تقویم آموزشی مناطق تابعه، توسعه و ایجاد فضاهای آموزشی و پرورشی، بررسی و تصمیم‌گیری برای برنامه‌ریزی نیروی انسانی مورد نیاز، صدور مجوز برای به‌کارگیری افراد مازاد بر سهمیه استخدام رسمی از محل درآمدهای منطقه و از جمله اینهاست. متأسفانه به دلیل عدم نظارت و پیگیری، اجرای این قانون متریقی نسبتاً راکد شده و از ظرفیت‌های آن استفاده نمی‌شود.

د) قانون پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی (مصوب ۱۳۸۶)

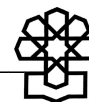
مطابق این قانون پذیرش دانشجو در مقطع کاردانی (پیوسته و ناپیوسته)، کارشناسی، کارشناسی ارشد پیوسته، دکترای حرفه‌ای و دکترای پیوسته براساس سوابق تحصیلی داوطلب و آزمون‌های سراسری خواهد بود. تأثیر سوابق تحصیلی در هر سال نسبت به سال قبل افزایش می‌یابد به نحوی که حداکثر تا پایان سال اول برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران آزمون‌های سراسری ورودی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به‌طور کامل حذف گردد. دولت موظف است بسترهای لازم را جهت تحقق این ماده فراهم نماید و از سال ۱۳۸۶ وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آموزش و پرورش و دانشگاه آزاد اسلامی مجازند داوطلبان ورود به مقطع کاردانی (پیوسته و ناپیوسته) را صرفاً براساس سوابق تحصیلی پذیرش نمایند.

اما از شواهد و قرائن برمی‌آید که اهمیتی در وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مربوط برای اجرای به موقع آن وجود ندارد، به‌طوری که با گذشت حدود سه سال از تصویب و نزدیک شدن به مهلت تعیین شده، کماکان سهم سوابق تحصیلی در پذیرش دانشجو همان ۱۵ درصد است.

هـ) سایر قوانین

سایر قوانینی که نظارت بر اجرای آنها می‌تواند به بخشی از اصلاح رویه‌ها و اصلاح امور آموزش و پرورش کمک کند به شرح زیر است:

- استقرار نظام جامع بودجه‌ریزی عملیاتی (ماده (۱۳۸) قانون برنامه چهارم توسعه و بندهای



«۳۲» و «۳۳» سیاست‌های کلی برنامه پنجم).

- تغییر بانک عامل آموزش و پرورش (بند «د» ماده (۱۰) قانون برنامه چهارم توسعه).
- تبدیل به احسن نمودن املاک و فضاهای آموزشی (ماده (۱۳) قانون شوراها).
- اجاره واحدها و فضاهای آموزشی، ورزشی به بخش خصوصی (ماده (۴۳)) قانون تنظیم و ماده (۵۳) قانون برنامه.
- اجرای بند «۱۱- الف» قانون بودجه سال ۱۳۸۸.

۲-۴. ظرفیت‌های تقنینی

- مجلس علاوه بر نقش نظارتی می‌تواند در راستای تسریع در اتخاذ تصمیمات منطقی با ارائه طرح‌های لازم به اصلاح الگوی مصرف در آموزش و پرورش کمک کند: موارد زیر از زمینه‌هایی است که به نظر می‌رسد می‌تواند در اولویت بررسی و قانونگذاری مجلس قرار گیرد:
- الزام دولت به تسریع در اجرای برنامه تحول در آموزش و پرورش و تعیین مصادیق و شاخص‌های آن.
 - بازنگری ساختار دوره‌های تحصیلی با هدف توسعه آموزش پیش‌دبستانی، تقویت آموزش عمومی، کارآمد کردن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، تعیین تکلیف دوره پیش‌دانشگاهی و جلوگیری از اتلاف بیشتر منابع.
 - محدود کردن اتخاذ تصمیمات سلیقه‌ای و ایجاد ثبات در مدیریت کلان وزارت آموزش و پرورش.
 - ایجاد سازوکار مناسب برای تأمین و تخصیص مناسب، کافی و به‌موقع آموزش و پرورش و افزایش سهم اعتبارات غیرپرستلی.
 - واگذاری امور غیرمرتبط آموزش و پرورش به بخش خصوصی (درمانگاه‌های فرهنگی، خانه‌های معلم ...).
 - ضابطه‌مند کردن توسعه مدارس در مناطق کم جمعیت و تعریف جدیدی از مدرسه در آنها.
 - اصلاح، نوسازی و بهبود ساختار تشکیلاتی از ستاد تا مدرسه.
 - کاهش نیروهای پشتیبانی ادارات و مدارس.
 - استفاده بهتر و کارآتر از فضاهای آموزشی و پرورشی.
 - اصلاح، نوسازی و طراحی الگوی نظارتی کارآمد بر مصرف بودجه و تدوین بودجه عملیاتی.
 - اهتمام بر نحوه جذب نیروی انسانی و به‌کارگیری نیروی متخصص و کارآمد.
 - به‌کارگیری اهرم‌های تشویقی مناسب برای اجرای برنامه‌های صرفه‌جویی و تعیین الگوی



مصرف برای ایجاد فرهنگ و نهایتاً فضای مناسب در سطوح مختلف آموزش و پرورش.
- متناسب نمودن نظام آموزشی کشور در راستای تأمین نیروی کار ماهر و با کیفیت برای تولید ارزش در کشور.

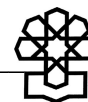
جمع‌بندی

دستگاه اداری وزارت آموزش و پرورش به‌عنوان بزرگ‌ترین سازمان دولتی که بیشترین تعداد نیروی انسانی را دارد وابسته به بودجه عمومی کشور است و همه‌ساله حداقل ۱۲ درصد از بودجه جاری و سهم قابل توجهی از اعتبارات عمرانی کشور برای این منظور هزینه می‌شود. در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۸ آموزش و پرورش کشور دارای ۱۴ میلیون دانش‌آموز، ۱۴۰ هزار آموزشگاه، ۶۲۰ هزار کلاس ۹۳۹ هزار نیروی انسانی، (شامل ۸۵۴ هزار کارمند رسمی و پیمانی، ۴۹ هزار نیروی حق‌التدریس و ۳۶ هزار نفر کادر خدماتی) بوده است.

نظارت بر کارآمدی و مصرف منابع در این مجموعه عظیم مالی و انسانی می‌تواند مصداق بارزی از اصلاح الگوی مصرف در زیر مجموعه دولت باشد. این امر نیازمند نظارت بر حسن اجرای قوانین و همچنین بهینه‌سازی و اصلاح قوانین، ازسوی قوه مقننه است و لاجرم باید نگاهی اصلاحی بر منابع مالی، امکانات و نیروی انسانی فضای کالبدی و شیوه بهره‌گیری از فناوری‌ها و روش‌های نوین این وزارتخانه وجود داشته باشد.

منابع و مآخذ

۱. برزوییان، صمد. خسارت‌های اقتصادی ناشی از شکست تحصیلی، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، ۱۳۸۴.
۲. مرادی، محمود. شاخص‌های دوره ابتدایی و راهنمایی کل کشور در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۸ و سال‌های قبل، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
۳. مرادی، محمود. بررسی تعداد واحدهای آموزشی کشور و ویژگی‌های مدیران، در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۸، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
۴. یادگیری گنج درون، یونسکو، ترجمه دفتر همکاری‌های بین‌المللی وزارت آموزش و پرورش، پاریس ۱۹۹۶، سال ۱۳۷۶.
۵. اسناد برنامه چهارم توسعه، گزارش شماره ۱۶ و ۱۷، سازمان مدیریت برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۲.
۶. انتظاری، یعقوب. ظهور اقتصاد دانش و ضرورت تحول در آموزش و پرورش ایران، ۱۳۸۱.
۷. بانک اطلاعاتی نظام آموزش و پرورش کشورهای جهان، پژوهشکده تعلیم و تربیت، وزارت آموزش و پرورش.



۸. شارع‌پور، محمد. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، سمت، ۱۳۸۳.
۹. طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران (مصوب شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش)، سازمان مدیریت و برنامه و بودجه، ۱۳۶۷.
۱۰. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۱. قوانین برنامه‌های اول تا چهارم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور.
۱۲. کیا، علالدین. بحران منابع مالی آموزش و پرورش، مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات اجتماعی، ۱۳۸۷.
۱۳. کیا، علالدین. تغییرات برخی آمارهای آموزش و پرورش در برنامه و چهارم، مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات اجتماعی، ۱۳۸۷.
۱۴. گزارش آماری جنبه‌های کمی و کیفی آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۸ و سال‌های قبل، معاونت برنامه‌ریزی و توسعه مدیریت آموزش و پرورش.
۱۵. گزارش تلفیق نتایج مطالعات نظری، کمیته مطالعات نظری سند ملی آموزش و پرورش، ۱۳۸۷.
۱۶. گزارش شورای تغییر بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۸۸.
۱۷. گزارش کمیته‌های مدیریت نوین منابع نظام آموزش و پرورش معاونت برنامه‌ریزی و توسعه مدیریت آموزش و پرورش، ۱۳۷۸.
۱۸. مجموعه آموزش و پرورش ایران ۱۴۰۰، مجموعه چهارم، پژوهشکده تعلیم و تربیت، به کوشش عبدالحسین نفیسی.
۱۹. نفیسی، عبدالحسین. دانشنامه اقتصاد آموزش و پرورش، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، ۱۳۸۴.



شماره مسلسل: ۱۰۰۷۴

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: درباره اصلاح الگوی مصرف (۱۶) اصلاح الگو در آموزش و پرورش
(از نگاه تولیدکننده و مصرف‌کننده)

نام دفتر: مطالعات اجتماعی (گروه آموزش و پرورش)

تهیه و تدوین‌کنندگان: علاءالدین کیان‌شکی، علی‌اخوان بهبهانی

ناظر علمی: ایروان مسعود اصل

متقاضی: معاونت پژوهشی

سروراستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۱۱/۳